



کفتارهای
نظر و عیب
نظر و عیب

حسین هوشنگی، محسن جوادی
ابراهیم فیاض، سیدعلی سیدی فرد

عنوان و نام پدیدآور: گفتارهایی در نظریه اعتباریات و نظریه اجتماعی جمعی از اساتید
[گردآورندگان حسین هوشنگی... و دیگران] به اهتمام گروه میانی علوم
اجتماعی معاونت علمی مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق، بسیج دانشجویی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص؛ ۱۴/۵ * ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۵۰-۳۵۰۰

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ک۷۴۲الف/BBR۵۵

رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۲۳۸۰۸۲

ستاره ایی در نظریه اعتباریات و نظریه اجتماعی

پیداآوردگان:

حسین هوشنگی - محسن جوادی

ابیر بیاض - یزدان سیدی فرد

به اهتمام: گروه میانی معاونت علمی

مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)

ناظر علمی: مهدی قلی‌زاد

معاون علمی مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)

ناشر: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

موضوع: علوم اجتماعی

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

آدرس: تهران خیابان انقلاب - بین فلسطین جنوبی و وصال - پلاک ۱۱۱۸ -

واحد ۱/۲ - انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

همراه: ۹۱۰۹۸۰۵۰۵۵

تلفن: ۶۶۴۸۶۱۲۰

۶۶۴۸۵۸۵۰

sadid.basijisu.com

rc.basijisu.com

sadidisu@gmail.com

فهرست

مقدمه ناشر

بخش اول: مبانی نظری اعتباریات و رابطه آن با علوم انسانی (دکتر حسین هوشنگی) | ۹

❁ مقدمه | ۱۱

❁ پیشینه و ریشه نظریه اعتباریات در علوم اسلامی | ۱۴

❁ نظریه اعتباریات در آثار دقتلغیه امام طباطبایی (رحمته الله علیه) | ۱۵

❁ نظریه اعتباریات و حوزه های مرتبط | ۱۶

❁ رویکرد روشی علامه در نظریه اعتباریات | ۲۰

❁ معنای اصطلاحی اعتبار | ۲۱

❁ فرایند اعتبار | ۲۲

❁ تقسیم بندی اعتبارات | ۲۵

❁ نظریه اعتباریات و امر اجتماعی | ۲۶

❁ نظریه اعتباریات و سوبژکتیویسم علوم انسانی و اجتماعی | ۲۸

❁ نظریه اعتباریات و رابطه فرهنگ و طبیعت | ۳۳

بخش دوم: نسب‌گرایی فرهنگی، اخلاقی و نظریه اعتباریات (دکتر محسن جوادی) | ۳۷

❁ مفهوم نسب‌گرایی فرهنگی در علوم اجتماعی | ۳۹

❁ نسب‌گرایی توصیفی و نسب‌گرایی فرهنگی | ۳۹

❁ نسب‌گرایی فرااخلاقی و نسب‌گرایی هنجاری | ۴۵

❁ نظریه اعتباریات و نسبیت‌گرایی در حوزه اخلاق | ۵۲

● راه‌کار شهید مطهری برای حل مسئله نسبیت‌گرایی اخلاقی در نظریه اعتباریات | ۵۵

● راه‌کاری دیگر برای حل مسئله نسبیت‌گرایی اخلاقی در نظریه اعتباریات | ۵۸

● نظریه اعتباریات و مسئله انگیزش اخلاقی | ۶۰

بخش سوم: نظریه اعتباریات و مسئله فرهنگ (دکتر ابراهیم فیاض) | ۶۳

● مسئله اعتباریات و نظریه پردازان جهان مدرن | ۶۵

● عرفان، فلسفه و فرهنگ | ۶۷

● حکمت و فرهنگ | ۶۸

● نظریه اعتباریات و مسئله فطرت | ۷۰

● فطرت و عرف | ۷۲

● بدالت بقوا به مثابه معیارهای داوری در باب عرف | ۷۳

● جایگاه ذات قدرت و نظم اجتماعی در نظریه اعتباریات | ۷۴

● فطرت و ظرف اعتبارات به مثابه بنیاد علوم انسانی | ۷۵

بخش چهارم: نظریه اعتباریات و جامعه‌شناسی معرفت (سیدعلی سیدی‌فرد) | ۷۷

● مقدمه | ۷۹

● نظریه اعتباریات | ۷۹

● جامعه‌شناسی معرفت | ۸۳

● نظریه اعتباریات و جامعه‌شناسی معرفت | ۸۵

● نتیجه‌گیری | ۹۴

مقدمه ناشر

حل مسکلات و مسائل اجتماعی، مسبوق به شناخت درست این مسائل است. راهکارها، که مبتنی بر شناخت صحیحی از مسائل اجتماعی نباشند، نه تنها در حل این مسائل مملو مشر و کارآمد نیستند، بلکه گاهی وضعیت را پیچیده‌تر و حادتر می‌کنند... هر شنیر به دلیل پیچیدگی بسیار جوامع کنونی، از جمله جامعه خود ما، شناخت اجتماعی نیز به امری پیچیده و دشوار بدل شده است. به همین دلیل، در مواجهه با مسائل اجتماعی نمی‌توان به ارتکازات شخصی و یا چند تجربه محدود اکتفاء کرد. بر اساس آن ما به ارائه راهکار پرداخت. در چنین وضعیتی، استفاده از یک روش شناسه دقیق و وسعجم ضرورت می‌یابد تا در مقام شناخت وضعیت اجتماعی، راهنمای پژوهشگر باشد. اما مشکل به همین جا ختم نمی‌شود؛ چرا که دیدگاه‌های مختلف روش شناختی، تنی بر چارچوب‌های نظری متفاوتی هستند. این مسئله به وضوح در تفاوت روش‌های کیفی و کمی قابل مشاهده است. هر چند برخی به تفکیک روش‌های کیفی از روش‌های کمی نگاهی صرفاً عمل‌گرایانه دارند، اما با نگاه دقیق‌تری می‌توان دریافت که هر دو روشی موجود در پس این دو دسته از دیدگاه‌های روش شناختی متفاوت اند.

به این ترتیب، مبادی نظری نهفته در پس شناخت اجتماعی، نقش مهمی در چگونگی تکوین این شناخت دارند. سنت غنی اندیشه اسلامی نیز دیدگاه‌ها و آراء جذدی و قابل استفاده‌ای دارد که می‌توانند مبادی نظری دانش‌های اجتماعی را تأمین کنند. یکی از این نظریه‌های قابل استفاده در این زمینه، نظریه اعتباریات است که به صورت منقح و روشن، نخست توسط محقق اصفهانی رحمته الله علیه ارائه شد و تدقیق و بسط آن در دیگر حوزه‌ها توسط شاگرد ایشان علامه طباطبائی رحمته الله علیه

صورت پذیرفت. ایشان، این نظریه را در حوزه های گوناگونی نظیر معرفت شناسی، فلسفه عمل و تحلیل پاره ای از مسائل اجتماعی بسط دادند و به مرحله پختگی رساندند.

اثر حاضر با عنوان «نظریه اعتباریات و نظریه اجتماعی» حاصل ویراستاری و تنقیح چهار سخنرانی علمی است که توسط آقایان دکتر حسین هوشنگی، دکتر محسن جوادی، دکتر ابراهیم فیاض و سید علی سیدی فرد ارائه و در دوره ای آموزشی با همین نام، توسط مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) برگزار شد.

این پر هشت که از آثار مکتوب معاونت علمی مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) می باشد و به زیور طبع آراسته گشته، گوشه ای دیگر از فعالیت های این مرکز در راستای تحول در علوم انسانی را منعکس می سازد. این مرکز در تلاش است با اندام های ارجمند و مخاطبان حوزوی و دانشگاهی، به ویژه دانشجویان در حوزه مباحث علوم انسانی و علوم اجتماعی، اعم از نظری و کاربردی، گامی در راستای اعتلای اندیشه ناب اسلامی بردارد و در این راستا از دیدگاه های مخاطبان ارجمند درباره این اثر و نیز پیشنهاد های سازنده آن ها درباره موضوعات یاد شده به گرمی استقبال می نماید. امید است اثر حاضر به بصیرت های نظری برای استفاده از نظریه اعتباریات در دیگر حوزه های علمی و اجتماعی بیفزاید و مقدمه حل برخی مشکلات نظری در این حوزه ها واقع شود.

در پایان ضمن تشکر از ارائه کنندگان محترم این مجلد و همه دست اندرکاران آماده سازی و نشر این اثر، از هم سنگران معاونت علمی مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) صمیمانه تشکر می نمایم.

والحمد لله اولاً و آخر

معاونت علمی

مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)

● مباحثه

بحث دراکات اعتباری»، «علوم غیر حقیقیه» و یا به تعبیر علامه طباطبائی در کتب اصول فقه و روش رئالیسم، «اندیشه های پنداری»، از جمله مباحثی است که برای اولین بار به صورت منسجم و در قالب یک نظریه، توسط علامه طباطبائی ارائه شد.

واژه «اعتبار» از ریشه «عَبَر» به معنای گذر کردن، عبور و مجاوزت است. این ریشه به باب افتعال رفته است و معنای رها کردن و مورد نظر قرار دادن نیز پیدا کرده است؛ اما معنای ریشه لغوی این ریشه، یعنی گذار و مجاوزت، همچنان در معنای اصطلاحی آن باقی مانده است.

واژه اعتبار، در حوزه فلسفه و به لحاظ اصطلاحی، واحد معانی مختلفی است. در اینجا برخی از مهم ترین معانی اصطلاحی این واژه را شرح می دهیم:

الف) مفاهیم اعتباری به عنوان معقولات ثانیه: معقولات ثانیه، اوصافی هستند که ذهن انسان آن ها را به عنوان وصف انتزاع کرده است؛ اسم از اینکه منشأ انتزاع آن ها در عالم خارج وجود داشته باشد یا نه. اینگونه اوصاف، اما صاف انتزاعی هستند؛ به این معنا که در عالم خارج «مصادق» ندارند، بلکه صرفاً «منشأ» انتزاع دارند.

اگر منشأ انتزاع اوصاف مذکور در عالم خارج وجود داشته باشد و خارجاً متصف به آن اوصاف شود، «معقولات ثانیه فلسفی» نامیده می شوند؛ برای نمونه مفهوم «علیت» یک معقول ثانی فلسفی است؛ چرا که منشأ انتزاع آن یک امر خارجی است. مثلاً آتش، علت حرارت است؛ اتصاف آتش به وصف «علت بودن» نسبت

به حرارت، یک امر خارجی است. در مقابل، اگر منشأ انتزاع این اوصاف، یک امر ذهنی باشد و اتصاف آن‌ها به منشأ انتزاعشان صرفاً در ظرف ذهن تحقق پذیرد، «معقولات ثانیه منطقی» نامیده می‌شوند. برای مثال «نوعیت»، در ظرف ذهن، وصف انسان است؛ انسان به عنوان یک مفهوم کلی ذهنی واجد وصف نوعیت است.

معقولات ثانیه، اعم از فلسفی و منطقی، در مقابل «معقولات اولی» قرار می‌گیرند؛ معقولات اولی، مفاهیمی هستند که مصداق و مطابق خارجی دارند؛ مثلاً مفهوم «انسان» یک معقول اولی است؛ زیرا بر انسان خارجی صدق می‌کند و مصداق و مطابقی خارجی دارد.

اعتباری در مقابل اصیل: در بحث اصالت وجود یا ماهیت، «اعتباریت» در مقابل «اصالت» قرار دارد. وقتی گفته می‌شود ماهیت اعتباری است، یعنی اصالت ندارد. تعبیر دیگر، چیزی که اولاً و بالذات در عالم خارج تحقق دارد وجود است؛ ماهیت به اعتبار وجود و ثانیاً و بالعرض تحقق دارد. در اینجا اصالت داشتن به معنای تحقق بالذات داشتن و پُر کردن متن واقع است؛ و در مقابل، اعتباری بودن به معنای عدم تحقق بالذات و تحقق بالعرض و ثانوی است.

ج) ادراکات اعتباری، در مقابل ادراکات حقیقی: ادراکات اعتباری، در مقابل ادراکات حقیقی قرار دارند. این نوع ادراکات حاصل نوعی قرارداد و مواضعه می‌باشند. مبنای تحقق چنین ادراکاتی، اعتبار به حساب کردن ما و یا قلمداد کردن ماست. این نوع اعتبارات، مستقل از اراده و قرارداد ما وجود ندارند. مثلاً برای اشاره به حيله گری شخصی می‌گوییم: «فلانی رویاوار است». در اینجا «تصاف» شخص حيله گریه رویاوار بودن، یک امر حقیقی نیست؛ بلکه بنا به قرارداد، مواضعه و اعتبار ما به چنین وصفی متصف شده است؛ ما، بنا به برخی اغراض عملی، آن شخص را متصف به چنین وصفی می‌کنیم و اتصاف آن شخص به وصف مذکور، وابسته به اراده و اعتبار ماست. دو معنای قبلی اعتباری، «معقولات ثانی» و «اعتباری در مقابل اصیل»، بنا به اصطلاح اخیر، هر دو در زمره حقایق قرار می‌گیرند. زیرا نه اتصاف معقولات ثانیه به منشأ انتزاع عینی یا ذهنی خود تابع اراده

و قرارداد ماست و نه تحقق تطفلی و بالعرض ماهیت. اینکه آتش علت حرارت است، وابسته به اراده و قرارداد ما نیست؛ همچنین تحقق هیچ کدام از ماهیت‌ها، تابع قرارداد و اراده ما نیست. مراد ما از نظریه اعتباریات، نظریه‌ای است که ناظر به همین معنای سوم از معانی اعتباری است.

ادراکات اعتباری، «اندیشه‌های ابزاری هستند»؛ ما به عنوان موجوداتی عاقل و اندیشه‌ورز، اعتبارات و قراردادها را برای وصول به هدفی ایجاد می‌کنیم. از نظر علامه، اهداف و اغراض نهفته در پس این اعتبارات، اهداف تکوینی و طبیعی ما هستند. موجودات زنده، نیازهای طبیعی و حیاتی خاصی دارند؛ رفع چنین نیازهایی در آن‌ها تحقق برخی امور است. اعتباریات از جمله ابزارهایی هستند که ما برای وصول به آن اهداف به خدمت می‌گیریم؛ به تعبیر دیگر، اعتبارات و قراردادها، وسیله و مساعی ما برای رفع نیازهای حیاتی و تکوینی ما هستند. البته این اعتبارات مستقیم باعث رفع نیازهای ما نمی‌شوند؛ بلکه آن‌ها زمینه صدور افعال و کنش‌های خاصی را فراهم می‌کنند تا از این طریق نیازهای حیاتی ما رفع شوند. در واقع اعتباریات ادراکات با صبر عمل هستند؛ یعنی ادراکاتی که باعث صدور یا عدم صدور فعلی از شخص یا اثر خاص می‌شوند.

این معنای اعتباریات، در مقابل حقایق یا ادراکات حقیقی قرار دارد. ادراکات حقیقی، ناظر به واقع و کاشف از حقایق هستند. آن‌ها حاکمیت و حاکمیت نیست می‌باشند. اما ادراکات اعتباری، ادراکات ناظر به عمل هستند؛ این ادراکات، باید و نبایدها و قواعد رفتار را معین می‌کنند. ادراکات اعتباری از سنخ گزاره‌های اخباری و حاکمی از واقع نیستند؛ آن‌ها گزاره‌های انشائی هستند.

تفکیک علامه میان ادراکات حقیقی و اعتباری را می‌توان ناظر به بحث سنتی «حکمت نظری» و «حکمت عملی» دانست. حکمت نظری ناظر به واقعیات است و حکمت عملی ناظر به اراده و افعال انسان. به این ترتیب، ادراکات حقیقی موضوع حکمت نظری هستند و ادراکات اعتباری، موضوع حکمت عملی؛ نظریه اعتباریات هم تبیین‌گر حکمت عملی است.